

مروری بر ادبیات نظری تجربی در خصوص تأثیر شرایط اقتصاد کلان بر ریسک حسابرسی

شماره ۳۷ / زمستان ۱۳۹۹ (جلد پنجم)
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)
۱۸۰-۱۶۰

دکتر رویا دارابی

دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
royadarabi110@yahoo.com

فرخ علیزاده پیرعلی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
farokh_alizadeh@yahoo.com

محمد دبستانی رحمت آباد

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
X.dabestani@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر مروری بر ادبیات نظری و تجربی در خصوص تأثیر شرایط اقتصاد کلان بر ریسک حسابرسی است. از آنجایی که در سال های اخیر اقتصاد ایران با ناپایداری های بسیاری مواجه بوده است پرداختن به موضوع پژوهش حاضر در شناسایی و درک لزوم طراحی فرایند حسابرسی مناسب با شرایط اقتصاد کلان حاکم بر محیط عملیاتی شرکت می تواند مورد اهمیت واقع شود. استدلال می شود که شرایط نامطلوب اقتصاد با تأثیر مستقیم بر محیط عملیاتی شرکت می تواند انگیزه های تحریف و تقلب در صورت های مالی را افزایش دهد. در نتیجه حسابسان می باشد با در نظر گرفتن شرایط اقتصاد کلان فرآیندهای حسابرسی را از نظر روش و ماهیت آزمون های محتوا مناسب با شرایط خاص اقتصادی تدوین یا باز طراحی نماید.

کلید واژگان: اقتصاد کلان، حسابرس مستقل، ریسک حسابرسی.

مقدمه

استانداردهای حسابرسی مانند استاندارد حسابرسی بین المللی شماره ۳۱۵ بیان می کند که حسابسان به منظور دستیابی به درک بهتری از محیط عملیاتی واحد تجاری مشتری می باشد توانایی ارزیابی رخدادها، شرایط و قوانین حاکم بر محیط فعالیت واحد تجاری را داشته باشد (عبدالله و السعید، ۲۰۲۰). واحد های تجاری که تحت شرایط و خیم اقتصادی فعالیت می کنند که ممکن است در حفظ سطح سودآوری و جریان های نقدی خود با مشکلات زیادی روبرو شوند (کورنت، مکنات، استرهان و تهرانیان، ۲۰۱۱). به بیانی دیگر، برخی مطالعات حاکی از آن است که شرایط اقتصاد کلان بر عملکرد عملیاتی شرکت تأثیرگذار است. به عنوان مثال، هنگامی که شرایط اقتصادی به طور کلی نامطلوب است، برخی شرکت ها در میزان درآمدهای فروش خود با افت فاحشی روبرو می شوند چرا که تورم هزینه های سبد خانوار را افزایش می دهد و در نتیجه برخی اقلام از سبد مشتری حذف و شرکت با کاهش فروش روبرو می شود (عبدالله و السعید، ۲۰۲۰).